

«مهسا احمدی» نام غریبه‌ای برای سینمای ایران نیست؛ به‌ویژه از زمانی که خبر حضور گروه بدلکاری ۱۳ در نسخه «اسکای فال» جیمزباند مطرح شد. حالا با گذشت حدود دو سال از این ماجرا، مهسا احمدی عنوان برترین بدلکار دنیا در سال ۲۰۱۵ را از جشنواره ویژه بدلکاری هالیوود (اکشن آیکن) کسب کرده است. او که پس از انقلاب اسلامی اولین دختر ایرانی است که از هواپیما سقوط آزاد کرده؛ حالا با عنوان بهترین بدلکار زن دنیا می‌گوید: «اینکه در ۲۶سالگی جایزه بهترین بدلکار هالیوود را بگیرم، از نظر من موضوع بسیار بی‌نظیری است». اما در عین حال گلابه می‌کند که مسئولان هنری کشور حتی حرفه‌اش را هنر نمی‌دانند. مهسا احمدی هم‌اکنون سر ضبط سریال «ویکید سسی‌تی» در آمریکااست اما در این بین مصاحبه‌ای اختصاصی با «شرق» انجام داد که در ادامه می‌خوانید.

۴ شما عنوان بهترین بدلکار سال ۲۰۱۵ از سوی مراسم «اکشن آیکن» را به دست آوردید که جایزه مهمی برایتان محسوب می‌شود. درباره اهمیت این جایزه بگویید.

هشت سال است که این مراسم برگزار می‌شود و هر سال بدلکاران آمریکایی به‌عنوان بهترین‌ها انتخاب می‌شدند یعنی هیچ‌وقت یک بدلکار زن خارجی نتوانسته بود این عنوان را به دست آورد اما امسال برای اولین‌بار من به‌عنوان اولین بدلکار خارجی جایزه «کریستال آوارد» این مراسم را به دست آوردم. روز برگزاری مراسم، بسیاری از بزرگان بدلکاری دنیا تنها آمده بودند که من را به‌عنوان یک بدلکار زن ایرانی ببینند. مثلا «گری پاول» مدیر بدلکاران چند سری آخر فیلم «دو صفر هفت» در حالی از اسپانیا به لس آنجلس آمده بود که همان شب برای حضور در افتتاحیه فیلم «اسپیکتر» به لندن پرواز داشت. وقتی به سن فراخوانده شدم، همه بزرگانی که شاید آرزویم باشد کنار آنها کار کنم، ایستاده تشویقم کردند. بسیار هیجان‌زده بودم و اینکه در ۲۶سالگی جایزه بهترین بدلکار هالیوود را بگیرم، از نظر من موضوع بسیار بی‌ظنیر است.

۵ فکری می‌کنید جایزه‌ای که کسب کرده‌اید بر جامعه بدلکاری ایران به‌ویژه زنان تا چه اندازه تاثیرگذار است؟

من یک دختر ایرانی هستم و همه جا با افتخار ایرانی‌بودنم را اعلام می‌کنم. در این مراسم هم برایشان بسیار جالب بود که یک دختر بدلکار ایرانی حضور دارد. من توانستم کشورم را در دنیا مطرح کنم و حالا تلاشم این است که دختران بدلکار را آموزش دهم. راستش در زندگی‌ام هیچ‌گاه این تعداد دختر بدلکار در یک مراسم ندیده بودم اما همه آنها فوق‌العاده بودند و دوست دارم یک روز همین تعداد دختر ایرانی بدلکار در چنین مراسمی حاضر باشند. شاید آرزوی بزرگی است اما امیدوارم این اتفاق بیفتد. **۴ درباره تفاوت بدلکاری در سینمای ایران با بدلکاری در سینمای آمریکا صحبت کنید...**

مشخص است که زمین تا آسمان بین بدلکاری در سینمای آمریکا با بدلکاری در سینمای ایران تفاوت وجود دارد. البته هیچ تفاوتی در توانایی ما با آنها وجود ندارد اما تنها چیزی که آنها را بالا کشیده، امکانات است. در ایران ما حتی برای تمرین روزانه خود نیز باشگاه نداریم و این بزرگ‌ترین ضعف ماست. اگر حداقل امکانات آنها در اختیار ما بود، مطمئنم که بسیار بالاتر از آنها بودیم.

۴ بدلکاری عموما به‌عنوان حرفه‌ای مردانه تلقی می‌شود. چگونه در این حرفه توانستید موانع را کنار بزنید؟

از نظر من هیچ چیز تنها مختص به مرد یا مختص به زن نیست. ما در رشته‌های مختلف ورزشی همچون



گفت‌وگو با مهسا احمدی بهترین بدلکار زن دنیا در سال ۲۰۱۵

به آینده حرفه‌ام امیدوار شدم

الهام یزدی‌ها

موتورسواری و دوومیدانی هم ورزشکارانی همچون نورا نراقی، مریم طوسی و سیده توکلی داریم که حتی از مردان هم قوی‌تر هستند. از دیدگاه من اگر کسی هدفی داشته باشد و برای رسیدن به آن تلاش کند، هر کاری شدنی است.

۴ بدلکاری بخشی از حرفه سینما را می‌سازد؛ با توجه به این موضوع، شما بیشتر نگاهی ورزشی به بدلکاری دارید یا این حرفه را نوعی بازیگری نیز تلقی می‌کنید؟

بدلکاری در همه جای دنیا هنر حساب می‌شود یعنی یک هنر ورزشی است که در ۹۹ درصد فیلم‌ها از این هنر استفاده می‌شود و فیلم‌سازان ترجیح می‌دهند برای هر چه واقعی‌تر نشان‌دادن صحنه‌ها به جای استفاده از تکنیک‌های کامپیوتری از حضور بدلکاران استفاده کنند اما در ایران کاملا برعکس است یعنی فیلم‌سازان بیشتر از افکت‌های کامپیوتری به جای بدلکاران استفاده می‌کنند و جالب است که مسئولان نیز این حرفه را هنر به حساب نمی‌آورند یعنی خیلی واضح به ما گفتند، کار شما هنر نیست.

۴ و نگاه شما در رابطه با توجه مسئولان سینمایی به حرفه بدلکاری چگونه است؟

راستش من در طول ۹ سالی که به صورت حرفه‌ای راجع به ترس باید بگویم که ما اصلا آدم‌های ترسی نیستیم و مثل دیگران از اینکه برایمان اتفاقی بیفتد و آسیبی ببینیم، می‌ترسیم. به همین دلیل اگر بدانیم که در صحنه‌ای ممکن است اتفاقی بیفتد، نه من و نه سایر اعضای گروهمان اجازه اجراشدن آن

را نمی‌دهیم. یک صحنه زمانی گرفته می‌شود که ما بارها آن را تمرین کرده باشیم و از بی‌خطریودنش مطمئن باشیم. همچنین اعتماد به اعضای گروه هم در حرفه ما بسیار مهم است. به‌طورمثال در صحنه‌ای که قرار است با ماشینی تصادف کنم، مهم است که فرد پشت فرمان حتما یک بدلکار باشد، در غیراین‌صورت کار غیرحرفه‌ای و غیراستانداردی است. هیچ‌وقت نشده برای اینکه ثابت کنم نمی‌ترسم، کاری را انجام داده باشم و در صورت نداشتن توانایی، آن‌قدر قدرتش را دارم که بگویم توانایی انجامش را ندارم.

۴ به‌عنوان یک بدلکار حرفه‌ای، این رشته چه نگاه تازه‌ای به شما بخشیده است؟

رشته ما یک رشته پرخطر است و وقتی یک کار بدلکاری که به چشم شما و البته ما سخت است را به سرانجام می‌رسانیم، یعنی دوباره متولد می‌شویم. بعد از انجام هر صحنه بدلکاری انگار زندگی را دوباره آغاز می‌کنیم. در کار ما کوچک‌ترین اتفاق می‌تواند بزرگ‌ترین اتفاق باشد و اولین اشتباه می‌تواند آخرین اشتباه محسوب شود. این نگاه دیگری از زندگی است که بدلکاری به من داده است.

۴ کمی از سخت‌ترین پروژه‌های که داشتید و خاطره‌هایتان بگویید....

همه کارها از نظر سختی برابر یکسان است و در اصل سخت نیست بلکه به یک اندازه برایم جذاب است. اما خاطره‌های زیادی دارم؛ مثلا در سال ۸۶ در فیلم «عملیات پایتخت» در نقش عابری بودم که قرار بود با ماشینی تصادف کنم. نزدیک به ۱۲بار آن صحنه تکرار شد چون هراب که ماشین با سرعت ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر به من می‌زد، به‌جای اینکه نقش زمین شوم، از هیجان روی پای خود می‌ایستادم و می‌خندیدم. کارگردان (محمدرضا آهنج) می‌گفت: «مهسا باید در این صحنه بمیری» اما بارها این صحنه تکرار شد.

۴ تاکنون به‌جای بازیگر مرد بدلکاری کرده‌اید؟

بسیار پیش آمده که هم در ایران و هم در هالیوود به‌جای بازیگر مرد بدلکاری کنم. اصولا برای انتخاب یک بدلکار زن به‌جای بازیگر مرد پیش از هرچیز توانایی بدلکار را بررسی می‌کنند و پس از آن مشخصات فیزیکی بدلکار مدنظر قرار می‌گیرد. برای اولین‌بار بدلکار یک سرباز آمریکایی در یک فیلم ترکیه‌ای شدم و پس از آن در بالیوود هم نقش یک بدمن را بازی کردم که قرار بود از برج «کپتال کیت» ابوظبی پایین بیاید و در حین تیراندازی شیشه را خرد کند که این نقش بسیار هیجان‌انگیز بود. در داخل ایران هم چندین‌بار بدلکار «امیر آقایی» بودم و برایم بسیار جالب بود که گریم مردانه داشتم. در بدلکاری کسی که تعیین می‌کند چه کسی بدل چه بازیگری باشد، تنها طراح بدلکاری آن کار است. اما در ایران طراح بدلکاری به شکل حرفه‌ای وجود ندارد و به همین دلیل ارشا اقدسی به‌عنوان سرپرست گروه بدلکاران ۱۳ تممیم می‌گیرد که کدام بدلکار جای کدام بازیگر قرار گیرد که البته به صورت حرفه‌ای این کار را انجام می‌دهد.

۴ شما درحال حاضر حرفه‌ای ترسین بدلکار زن ایران هستید؛ یعنی قبل از شما کسی این مسیر را طی نکرده است؛ نگاهتان به آینده حرفه‌ای خود چیست؟

در مراسم «اکشن آیکن»، بدلکاران زن بسیاری را در سنین مختلف دیدم و واقعا به آینده شغلی‌ام امیدوار شدم، یعنی متوجه شدم که آینده خوبی در انتظارم است. بدلکارانی که با وجود ۶۰ سال سن همه قریب‌ا و سرحال بودند و من بالاخره توانستم آینده‌ام را ببینم. راستش همیشه فکر می‌کردم که وقتی پیر شوم آن‌قدر از نظر جسمی شرایط بدی خواهم داشت که حتما باید با عصا راه بروم اما وقتی آنها را دیدم گفتم شاید من هم در زمان پیری مثل آنها سرحال باشم.



یک مفهوم

دربی بی‌اعتنایی جشنواره فیلم تورنتو

ایرانیان جشنواره فیلم راه‌اندازی کردند

مهدی کاشانی: قرار است جشنواره‌ای در تورنتو کانادا برگزار شود که میزبان فیلم‌های ایرانی است. جشنواره سینه ایران تورنتو یک جشنواره ایرانی در کشور کاناداست. از حدود یک ماه قبل طرح ایجاد یک جشنواره ایرانی در تورنتو به ابتکار امیرنگجوی کلید زده شد که در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو، بی‌اعتنایی کم‌سابقه‌ای نسبت به فیلم‌های ایرانی اعمال شد و تنها یک فیلم بلند ایرانی در برنامه حضور داشت. این بی‌اعتنایی با وجود این صورت گرفت که جشنواره فیلم تورنتو (تیف) در سال‌های گذشته همتواره از سینمای ایران حمایت فراوانی کرده و بخش مهمی از معرفی سینمای ایران در عرصه‌های جهانی مدین تیف است. به دنبال آن مقدمات جشنواره «سینه» ایران تورنتو» شکل گرفت که قرار است از هفتم تا نهم آذر برگزار شود.

خوشبختانه تیف با سینمای ایران قهر نکرده. با همکاری و مساعدت تیف، سالن‌های اصلی ساختمان جشنواره بین‌المللی تورنتو، که به اختصار «تیف» عنوان می‌شود، در اختیار جشنواره قرار گرفت و با توجه به این موضوع، بخش فیلم‌ها از نظر چالش‌های جشنواره در ضرب‌الاجلی کیفی در فضایی مناسب انجام خواهد شد. انتخاب فیلم‌ها، میهمان‌های جشنواره و تامین منابع مالی از دیگر چالش‌های جشنواره به ضرب‌الاجلی کوتاه بود. البته علاوه بر حمایت مدیران جشنواره تورنتو که تاکنون دلگرم‌کننده بوده است، دانشگاه‌های تورنتو و یورک نیز کمک‌های مختلفی برای برگزاری بهتر این رویداد انجام داده‌اند. تازگی فیلم‌ها و دیده‌نشدن آنها در فضایی مجازی و…، ملاک اولیه انتخاب آثار بود و مانند هر جشنواره دیگری، سعی بر این شد تا توازن متناسبی میان فیلم‌هایی با مخاطب‌های خاص و عام برقرار شود. داشتن زیرنویس انگلیسی قابل‌قبول از دیگر شرایط انتخاب بود چراکه جشنواره قرار است مخاطبان غیرایرانی را نیز جذب کند.

فهرست فیلم‌ها بیشتر به دلیل تغییر نظر تهیه‌کنندگان‌شان چند بار تغییر کرد تا درنهایت فیلم‌های «من دیه‌گو مارادونا هستم» اثر بهرام توکلی، «مرگ ماهی» اثر روح‌الله حجازی، «شفیت شب» اثر نیکي کریمبی، «اعتراقات ذهن» خطرناک من» اثر هومن سیدی، «جامه‌دران» اثر حمیدرضا قفصی، «من می‌خوام شاه بشم» اثر مهدی گنجی، «تابو» اثر خسرو معصومی، «دو» اثر سهیلا گلستانی، «۳۱۶» اثر پیمان حقانی، «در دنیای تو ساعت چند است» اثر صفی‌زادانیان، «فصل فراموشی فریسا» اثر عباس رافعی و «اشکان، انگشت‌تر متربک و چند داستان دیگر» اثر شهرام مکرری برای اکران جشنواره برگزیده شدند.

از دیگر مشکلات برگزاری این جشنواره، گرفتن ویزا در فرصت کوتاه به منظور دعوت از میهمانان ایرانی بود. به دلیل نبود سفارت کانادا در ایران، اخذ ویزای کانادا پروسه‌ای زمان بر و پرهزینه شده است و به‌ناچار تمرکز روی گزینه‌هایی انجام شد که نیاز به گرفتن ویزا ندارند. پس از کش‌وقوس‌های فراوان حضور حامد بهداد، ساره بیات و شهرام مکرری در جشنواره قطعی شد. میهمانان در مراسم افتتاحیه که جمعه‌شب، هفتم آذر برگزار می‌شود، حضور خواهند داشت.

همچنین با حضور این میهمانان پنل‌های مختلفی پیرامون سینمای امروز ایران برگزار خواهد شد. درحال‌حاضر، جشنواره سینه-ایران تورنتو حدود ۱۵ برگزارکننده فعال دارد که همگی داوطلبانه و از روی علاقه کار می‌کنند. با وجود این، برگزاری آپرومندانه یک جشنواره هزینه‌های زیادی دارد. سفر و اسکان میهمانان، سالن برگزاری و حق پخش فیلم‌ها عمده‌ترین هزینه‌ها هستند. بخشی از آن از فروش بلیت و بخش دیگرش از قبل اسپانسرها تامین می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۱

به‌سوی فرمالیسم انتقادی

پروژه دیگر، ساختمان گلفام است. ایده‌های موجود در این پروژه نیز به پاکت و استراتژی اشغال فضا مربوط می‌شوند. معماران در این پروژه، فضای نورگیر – که معمولا به‌عنوان عنصری اضافه و فاقد پتانسیل‌های طراحی با آن برخورد می‌شود – را در استراتژی طراحی خود به کار می‌گیرند و آن را از دو سوی پاکت ساختمان، به عمق می‌رانند. درعین حال، اشغال فضایی پروژه، وضعیتی دورگه^{۲۹} دارد. به این معنا که درعین‌حال که براساس استراتژی رایج تقسیم‌بندی اتاق – اتاق شکل گرفته، جعبه‌هایی نیز درون این اتاق‌ها قرار داده شده‌اند. بنابراین دیوارگام اشغال فضایی پروژه، ترکیبی است از دیوارگام تقسیم‌بندی فضایی و دیوارگام شیء برشی. این‌س جعبه‌ها گاه از پاکت ساختمان بیرون می‌زنند و اقتدار آن را به‌عنوان عنصر دربرگیرنده فضاهای درونی، به هم می‌زنند. مسجد ولی‌عصر جایی است که در آن، می‌توان اوج کار انتقادی رضا دانشمیر و کاترین اسپریندف را مشاهده کرد. از دید من این پروژه، اگر نگوییم برترین، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ساخته‌شده در ایران در طول صد سال گذشته است. ایده آن از الگوی هندسی دو بُعدی تزیینات معماری ایرانی آغاز می‌شود و با کمک تکنیک دوران پیشچی^{۳۰} به‌عنوان ایده اصلی عملیات طراحی، بازتعریف و به کمک ابزار پارامتریک، به یک میدان^{۳۱} سه‌بعدی تبدیل می‌شود. رویکرد انتقادی دانشمیر و اسپریندف را می‌توان در برشی که ایده طرح را نشان می‌دهد، دید؛ خط برشی که عناصر عام و کلیشه‌ای‌شده گونه‌شناسی مسجد – مناره و کنبد – را حذف می‌کند. یکی از انتقاداتی که به این پروژه وارد شده، عدم پیوند آن با شهر است. از نظر من این انتقاد، انتقاد بجایی نیست و این، از چند منظر، قابل بررسی است. یکی از آنها، مسئله استقلال^{۳۲} اثر معماری است. چه چیزی باعث می‌شود یک اثر معماری، اثری بزرگ باشد؟ جفری کینیس این پرسش را طرح می‌کند و ادامه می‌دهد که شما نمی‌توانید یک اثر معماری در دنیا نام ببرید که به دلیل برنامه‌اش یا عملکردش، اثری بزرگ باشد. تصور می‌کنم این مسئله را با «ارتباط با شهر» نیز می‌توان در نظر گرفت؛ هیچ پروژه‌ای، به صرف داشتن ارتباط با شهر، به اثری شاخص تبدیل نمی‌شود. اساسا ارتباط با شهر به چه معناست؟ تقلیدیل‌کردن به زمینه (زمینه‌گرایی) یا ارتباط دیداری به معنای بدنه‌های شفاف؟ در اینجا، گونه‌شناسی پروژه (مسجد) و لزوم پرداخت به برنامه آن، از وجود بدنه‌های شفاف جلوگیری کرده است. بحثی که من قصد طرح آن را دارم این است که اتفاقا مسجد ولی‌عصر از بسیاری جهات ارتباط بسیار جالب و متفاوتی را با شهر برقرار کرده است. اگر به مساجد قدیمی‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که بیشتر آنها درون‌گرا هستند و ارتباط آنها با شهر، ارتباطی زیبایی‌شناسانه است، مسجد شیخ‌لطف‌الله را در نظر بیاورید؛ یک بدنه شهری و یک در، اگر کاشی‌ها و تزیینات این بدنه را حذف



کنیم، چیز زیادی باقی نمی‌ماند. مسجد ولی‌عصر اما، تزیین‌محور نیست. این پروژه، گونه‌شناسی غالبا درون‌گرای مساجد ایرانی را کنار می‌گذارد و به اثری برون‌گرا تبدیل می‌شود. درعین‌حال، پوشش پارامتریک مسجد، در یک گوشه به زمین می‌رسد و این امکان ایجاد می‌شود که افراد، روی آن قدم بگذارند و روی سطح آن بالا بروند. به‌این‌ترتیب، سقف مسجد به یک عرصه شهری جدید، یک فضای رویداد تبدیل می‌شود. این، یکی از مهم‌ترین و جالب‌ترین ویژگی‌های مسجد ولی‌عصر است. ورودی مسجد ولی‌عصر از دیگر نکات جالب آن است؛ شکافی روی بدنه که انگار مثل یک سیاه‌چاله، شهر را به درون خود می‌کشد. مسجد ولی‌عصر پروژه موفقی است که به شکلی بنیادین، سوبه‌های کلیشه‌ای‌شده معماری ایرانی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و گونه‌شناسی مسجد را به زبانی معاصر و با کمک تکنیک‌های دیجیتال، بازتعریف می‌کند.

استفاده از تکنولوژی دیجیتال در کارهای مشاورین حرکت سیال، به‌عنوان ابزار طراحی^{۳۳} و خلاقیت و نه ابزار تولید^{۳۴} و بازنمایی،^{۳۵} ویژگی‌ای است که کار آنها را از کار بسیاری از همکارانشان در ایران جدا می‌کند. مدت‌هاست که ابزار دیجیتال، در فضای حرفه‌ای معماری ایران، به کار می‌روند، اما نقش آنها بیشتر محدود به ابزار تولید و بازنمایی بوده و نه ابزار طراحی. مجموعه ویژگی‌هایی که برشمرديم، پرکتیس مشاورین حرکت سیال را به یک پرکتیس معاصر تبدیل می‌کنند؛ پرکتیسی که در عین دارابودن سوبه‌های فرمالیستی، کنش انتقادی را دربر می‌گیرد و از فرمالیسم ناپ فراتر می‌رود؛ چیزی که می‌توان عنوان فرمالیسم انتقادی را به آن داد. کار مشاورین حرکت سیال، از پرکتیس‌هایی که فاقد بار انتقادی و فاقد سوبه‌های زیبایی‌شناسانه هستند (سینما آزادی کار مشاورین توان) و پرکتیس‌هایی که فاقد بار انتقادی و دارای سوبه‌های زیبایی‌شناسانه هستند (و تعدادشان در معماری امروز ایران زیاد است) فراتر می‌رود و می‌تواند به‌عنوان یک پرکتیس انتقادی شناخته شود.

پی‌نوشت‌ها:

[1] Critical formalism [2] Practice [3] Generic typology [4] Point of departure [5] Design operations [6] Formalist reading [7] Jeffrey Kipnis [8] Supercritical. Edited by Brett Steele [9] Kitsch [10] Critical position [11] Passive [12] Political act [13] روایت‌های آوانگار، روحی پویان کتابکده کسری. مشهد: ۱۳۹۴ [14] Figure/Ground [15] Peter Trummer [16] Orkshetra. Mediating Architecture. Architectural journal of Staedelschule, 2015. [17] Subdivision[18] Sectional Object [19] Russian Doll Projects [20] Marcelo Spina [21] Object-Oriented Ontology [22] Tom Wiscombe [23] Envelope [24] Interstitial space [25] Coop-Himmelb (I) au [26] Common sense [27] Hybrid [28] Twisting [29] (Parametric) Field [30] Autonomy [31] Design Tool [32] Production Tool [33] Representation